

تأثیر پایگاه‌های نظامی آمریکا بر سیاست بین‌الملل

حسین کریمی فرد^۱

استادیار گروه علوم سیاسی واحد اهواز دانشگاه آزاد اسلامی اهواز ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳/۱۰/۹۴ - تاریخ تصویب: ۹/۲/۹۵)

چکیده

ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی موضوعی کلیدی برای درک توزیع قدرت براساس حوزه نفوذ است. قدرت‌های بزرگ به‌منظور برتری در توازن قوا، ثبات استراتژیک و گسترش حوزه نفوذ در مناطق خاصی از جهان پایگاه‌های نظامی ایجاد می‌کنند. به‌طور معمول یک دولت به متحدان و دولت‌هایی که تصورات مشابه درباره منافع مشترک یا تهدید مشترک دارند اجازه حضور نظامی می‌دهد. با این حال، حضور طولانی‌مدت نظامی به مشکلات سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی در کشور میزبان منجر می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات اینترنتی با تأکید بر پایگاه‌های نظامی آمریکا در جهان به‌خصوص در شرق آسیا (فیلیپین، ژاپن و ...) و خاورمیانه (افغانستان، ...) به این نتیجه رسید که ایالات متحده آمریکا با ایجاد پایگاه‌های نظامی درصدد گسترش قدرت و نفوذ به ماورای مرزها به منظور دستیابی به اهداف و مقاصد مختلف است، از جمله این اهداف می‌توان به افزایش حوزه نفوذ، تسلط و کنترل مناطق ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، تأمین منافع اقتصادی به‌خصوص دستیابی به منابع انرژی و کنترل آنها و مهار قدرت‌های رقیب اشاره کرد.

واژگان کلیدی

امنیت، پایگاه نظامی، حوزه نفوذ، حاکمیت، محیط زیست.

مقدمه

ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی^۱ در چارچوب استراتژی کلان قدرت‌های بزرگ به‌منظور تأمین نظم و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، افزایش حوزه نفوذ، حفظ منافع، دفع تهدید، مهار قدرت‌های رقیب، تسهیل مداخله احتمالی در کشورهای دیگر و مهیا کردن زیرساخت‌های لازم برای جنگ صورت می‌گیرد، اگرچه در جهان کنونی استفاده از قدرت نظامی برای تصرف و اشغال کشورها غیرمفید و نامطلوب است.

قدرت‌های بزرگ به‌منظور برتری در توازن قوا، ثبات استراتژیک و گسترش حوزه نفوذ در مناطق خاصی از جهان پایگاه‌های نظامی ایجاد می‌کنند. حضور طولانی‌مدت یک کشور در کشور میزبان ممکن است به بروز مشکلات سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی به شکل ذیل منجر شود:

- بی‌ثباتی سیاسی؛
- تضعیف امنیت منطقه‌ای و آسیب‌پذیری نسبت به حملات خارجی؛
- از دست دادن حاکمیت مؤثر بر بخشی از خاک خود در کشور میزبان؛
- تست سلاح‌های جدید، از جمله مواد شیمیایی و سلاح‌های هسته‌ای.

به لحاظ تاریخی نخستین منبع مدون درباره پایگاه‌های نظامی به روایت توسیدید از جنگ‌های پلوپونزی درباره رویارویی آتن و اسپارت و تشکیل اتحادیه نظامی و استفاده از پایگاه‌های نظامی در قرن پنجم قبل از میلاد برمی‌گردد. پس از آن امپراتوری ایران و روم در مکان‌های استراتژیک برای تصرف سرزمین و رقابت با همدیگر پایگاه‌هایی ایجاد کردند. داریوش پادشاه ایران با ایجاد جاده‌ای به طول ۲۵۰۰ کیلومتر و ساخت انبارهای سنگی در هر ۲۹ کیلومتر برای تجارت، حمل‌ونقل و ارتباطات تحولاتی اساسی در این زمینه به‌عمل آورد (Lersch & Sarti, 2014: 83). در قرن پانزدهم قدرت‌های توسعه‌طلب با گسترش امپراتوری دریایی موفق به ایجاد پست، تجارت، انبار و پایگاه‌های خارجی برای تحکیم قدرت و نفوذ با هدف حفظ منافع حیاتی خود شدند. در آن زمان اهمیت تجارت همراه با موضوعات نظامی مسئله‌ای حیاتی برای دفاع از سرزمین‌های جدید بود. همچنین در عصر استعمار^۲ ارتش قدرت‌های بزرگ با تقویت پایگاه‌های نظامی خارجی امنیت بازرگانی بین‌المللی را تأمین می‌کردند. پایگاه نظامی امپراتوری بریتانیا در اقیانوس آرام به‌ویژه در هند (به‌عنوان پاسگاه دیدبانی) در مسیر استراتژیک قاره آسیا برای تجارت و رفع ضرورت‌های نظامی در این

1. foreign military bases
2. colonial period

چارچوب قابل تحلیل است. ایالات متحده آمریکا نیز در طول قرن نوزدهم با توسعه صنعت و افزایش تولیدات درصدد گسترش تجارت بین‌الملل و دستیابی به بازار گسترده بود. پایگاه‌های نظامی خارجی در عصر امپراتوری در پی اقدام‌های مؤثر برای حفظ کنترل قلمرو یک امپراتوری بودند. جنگ جهانی دوم پایان عصر امپراتوری بود. ابرقدرت‌های جهانی برای ایجاد ثبات استراتژیک و گسترش حوزه نفوذشان از پایگاه‌های نظامی خارجی استفاده می‌کردند (Grammun Study Guide Disec: 2012:18).

پس از جنگ جهانی دوم آمریکا برای رویارویی با شوروی پایگاه‌های نظامی خود را در اروپا و آسیای شمال شرقی گسترش داد. عصر جنگ سرد با مشاجره بین دو بلوک، کاربرد پایگاه‌های نظامی، اتحادها و تقویت توازن قوا در سیستم دوقطبی مشخص می‌شود. در قرن بیست‌ویکم جهت‌گیری قدرت‌های بزرگ نسبت به نقش پایگاه‌ها با توجه به تهدیدات جدید تغییر یافت. مبارزه با تروریسم به‌خصوص پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مرکز ثقل استراتژی آمریکا است. رادیکالیسم مذهبی، تهدیدات نامتقارن، تروریسم و جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تهدیدات اصلی آمریکا محسوب می‌شود. شوک ناشی از حملات ۱۱ سپتامبر موجب شد توجه آمریکا از اروپا به آسیای مرکزی و خاورمیانه به‌خصوص منطقه قفقاز جلب شود. گسترش جبهه ضدتروریستی بعد از حمله به آمریکا موجب حضور نیروهای غربی در حوزه نفوذ^۱ سنتی روسیه شد. همچنین حضور و ایجاد پایگاه‌های نظامی در افغانستان و بعضی از کشورهای آسیای مرکزی مثل قرقیزستان موجب نزدیک شدن آمریکا به مرزهای چین و روسیه شده است.

مبانی نظری: توازن قوا (با تأکید بر مفهوم حوزه نفوذ)

واقع‌گرایان با استفاده از رهیافت توازن قدرت، دوره‌های مختلف تاریخ جهان و حوادث مهم سیاسی را تبیین می‌کنند و توضیح می‌دهند. از دیدگاه آنها تاریخ روابط بین‌الملل بر محور قدرت و تئوری توازن قدرت استوار شده است. از طرف دیگر، این تئوری را به‌عنوان دستورالعمل سیاسی برای سیاستمداران و نخبگان اجرایی در صحنه سیاسی تجویز می‌کنند تا قدرت، امنیت، منفعت و نفوذ آنها نسبت به رقیب سیاسی دچار روندی نزولی نشود. براساس نظریه موازنه قوا دولت‌ها، بازیگران اصلی نظام بین‌الملل بوده و تحت فشارهای نظام آنارشیک بین‌المللی به‌طور عقلانی در پی افزایش قدرت یا امنیت خود هستند؛ براساس این اصل، مکانیسم بقای اجتماع دولت‌ها مقابله با تمرکز و انباشت قدرت را ضروری و

"موازنه قوا" را به عنوان یک پوشش بنیادین سیاست بین‌الملل که همزمان بازتولید اجتماع دولت‌ها و افزایش بقای واحدها را میسر ساخته، مطرح می‌کند (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۸۹).

براساس این تئوری قدرت اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مفهوم در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. از مهم‌ترین کارکردهای سیاست خارجی ترجمه قدرت به نفوذ^۱ است. برای تحلیل این موضوع باید دو مفهوم قابلیت‌ها و اراده سیاسی^۲ بررسی شود. توانمندی‌ها یا قابلیت دارای چهار بعد است که بازتاب طیفی از قدرت سخت به قدرت نرم است: نظامی، اقتصادی-تکنولوژی، جمعیت و فرهنگ؛ که به‌طور نابرابر بین دولت‌ها تقسیم شده‌اند. اراده سیاسی، توانایی تشخیص اهداف استراتژیک و داشتن ابزار برای نائل شدن به آن اهداف در حوزه عمل است. نفوذ توانایی ترکیب توانمندی‌ها و اراده سیاسی است.

براساس تئوری توازن قدرت با توجه به افزایش تهدیدات علیه آمریکا، این کشور درصدد ایجاد پایگاه‌های نظامی در سراسر جهان است. بعضی از حوادث بین‌المللی مثل پایان جنگ سرد می‌تواند به پایان حضور نظامی آمریکا در بعضی از مناطق جهان منجر شود. از دیدگاه سیاست داخلی نیز دلایلی برای حضور نیروهای خارجی در کشورهای دیگر مطرح می‌شود. مثلاً آینده غیرقطعی محیط امنیتی و نیاز به مقابله با تهدیدهای بالقوه از دلایل تداوم حضور نظامی است (Tsukuba, 2012: 17).

حوزه نفوذ در سیاست بین‌الملل تسلط و کنترل عرصه‌ها و سرزمین‌های خارجی است. در اواخر دهه ۱۸۸۰ قدرت‌های استعماری اروپایی با موافقت‌نامه‌های حقوقی حوزه‌های نفوذ خود را در آسیا و آفریقای مشخص کردند. بعد از پایان عصر استعمارگری، ژئوپلیتیک عنصر مهم در ایجاد حوزه‌های نفوذ توسط قدرت‌های بزرگ بود. به‌طور مثال در قرن نوزدهم آمریکا طبق دکترین مونروئه برای تسلط بر نیمکره غربی اقدام کرد و در قرن بیستم شوروی براساس سیاست توازن قوا حوزه نفوذش را بر اروپای شرقی گسترش داد.

به عبارتی ایجاد حوزه نفوذ به این معناست که قدرت خارجی غالب بر یک منطقه مشخص تسلط می‌یابد و استقلال سیاسی دولت و بازیگران ضعیف‌تر را محدود می‌کند. حوزه نفوذ نقش مرکزی در تحلیل سیاست قدرت‌های بزرگ و امپریالیسم دارد. مفهوم حوزه نفوذ شامل سه بعد است:

۱. ماهیت و دامنه حوزه نفوذ؛ محدوده اعمال نفوذ در حوزه‌های سیاست خارجی،
- نهادهای سیاسی یا اقتصادی دولت ضعیف مدنظر است؛

1. power translation into influence
2. capabilities and political will

۲. بعد دوم به مشخصه روابط قدرت، شامل انواع قدرت (اجبار، نهادی و اندیشه‌ای) و درجه‌ای از نفوذ و همکاری فعال با افراد و گروه‌های درون تشکیلات دولت (مثل شبه‌نظامیان طرفدار آمریکا در آمریکای لاتین یا احزاب کمونیستی محلی در اروپای شرقی در طول جنگ سرد) ارتباط دارد؛

۳. بعد سوم به شناسایی منطقه نفوذ و حوزه نفوذ به وسیله دولت‌های دیگر یا جامعه بین‌المللی به‌طور عام ارتباط دارد (Hurrell, 2011, <http://oxfordindex.oup.com>).

ممکن است در توافقات رسمی میان دولت‌ها حوزه نفوذ ایجاد شود. برای مثال عمل امپریالیسم اروپایی در کنفرانس برلین در سال ۱۸۸۴ یا کنوانسیون ۱۹۰۷ بین انگلیس و روسیه برای تقسیم ایران، مثال روشنی در این زمینه محسوب می‌شود. یا اینکه تلاش دولت‌ها برای شناسایی تضمین حقوقی قرارداد رسمی حوزه نفوذ، مثلاً تلاش ناموفق آمریکا برای گنجاندن دکترین مونروئه در منشور جامعه ملل قابل بررسی است. حوزه نفوذ ممکن است در هنجارهای سیاسی رسمی به‌عنوان بخشی از رقابت قدرت‌های اصلی تجسم یابد. مثل موقعیت و نقش آمریکا در نیمکره غربی، روسیه در اروپای شرقی یا روسیه فعلی در خارج نزدیک.

دلایل ایجاد پایگاه نظامی

۱. منفعت استراتژیک^۱

دولت‌ها هنگامی که نگران منفعت مشابه استراتژیک باشند، پایگاه نظامی در خاک کشور دیگر ایجاد می‌کنند. برای مثال آمریکا با ژاپن پیمان امنیتی در چارچوب منفعت مشابه استراتژیک منعقد کرده و طبق این پیمان آمریکا در خاک ژاپن پایگاه نظامی ایجاد کرده است. در این چارچوب آمریکا پیمانی را نیز با کره جنوبی منعقد کرده است. آمریکا از جنگ کره در سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۵۰ در کره جنوبی دارای پایگاه است. هرچند اعتراضاتی برای خروج نیروها آمریکایی در کره وجود دارد، با توجه به تهدید مشترک کره شمالی برای دو کشور، آمریکا دارای پایگاه نظامی در کره جنوبی است (Tsukuba, 2012: 20).

فهم منفعت استراتژیک آمریکا از دلایل مهم ایجاد پایگاه نظامی در خاک کشورهای دیگر است. به‌طور کلی ضرورت مقابله با یک تهدید خاص و داشتن یک پایگاه نزدیک دشمن برای مهار و شکست آن از انگیزه‌های قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا برای ایجاد پایگاه است. برای مثال پایگاه‌های آمریکا در خاک کشورهای عراق یا افغانستان در بازدارندگی تهدیدات، جنگ‌ها، جمع‌آوری اطلاعات، آموزش و ترانزیت نقش مهمی دارد.

1. strategic interest

۲. مزیت‌های اقتصادی و نظامی

قدرت‌های بزرگ تعهد می‌دهند به‌جای استفاده از سرزمین کشور میزبان، هزینه‌هایی را به کشور میزبان بپردازند. کشور مهمان ممکن است در منفعت استراتژیک کشور میزبان دخیل نباشد، اما موافقت می‌کند که همکاری نظامی و اقتصادی با کشور میزبان داشته باشد. فیلیپین، ترکیه و اسپانیا دریافت‌کننده کمک از آمریکا محسوب می‌شوند. روسیه نیز در سال ۲۰۱۰ موافقت کرد برای ایجاد پایگاه دریایی در اوکراین حدود ۳۰ درصد قیمت گاز طبیعی را کاهش دهد (Tsukuba, 2012:21).

۳. جابه‌جایی دولت

هنگامی که در کشوری دولت جدید قدرت را به‌دست گیرد، ممکن است به طرفداری از قدرت بزرگ به او اجازه ایجاد پایگاه یا تمدید زمان اجاره آن را بدهد. این اتفاق زمانی می‌افتد که دولت جدید با شکست دولت قبلی که مخالف ایجاد پایگاه بود، به قدرت برسد. برای مثال رئیس‌جمهور ویکتور یوشنچکو تصمیم گرفت پایگاه‌های نظامی روسیه را بعد از ۲۰۱۷ تمدید نکند، اما بعد از به قدرت رسیدن ویکتور یانکویچ دولت جدید اجاره پایگاه روسی را تا بعد از ۲۰۱۷ تمدید کرد (Tsukuba, 2012: 21).

۴. پیشرفت فناوری

پیشرفت‌های تکنولوژیکی یکی دیگر از دلایل ایجاد پایگاه نظامی است. نیاز به ایستگاه زغال‌سنگ برای کشتی نیروی دریایی یکی از اولین دلایل راه‌اندازی پایگاه‌های نظامی بود. پیشرفت‌های فناوری مربوط به صنعت هوایی در بخش‌های متعددی از جهان گسترش پیدا کرده است. آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم مثال خوبی در این زمینه است. رهبران نظامی آمریکا تمایل دارند پایگاه‌های هوایی برای هدف‌هایی که فاصله طولانی دارند، ایجاد کنند. پیشرفت در تکنولوژیک اطلاعات نیز از دلایل ایجاد پایگاه در کل جهان است. تسهیلات اطلاعات در کشورهای انگلیسی‌زبان کارکرد مهمی دارد. همچنین بعضی از پایگاه‌ها در تشخیص آزمایش‌های هسته‌ای به‌کار می‌رود (Tsukuba, 2012:22).

۵. کشورگشایی کامل^۱

در این مورد کشور قدرتمند با کاربرد زور سرزمین کشور ضعیف‌تر را اشغال و پایگاه‌هایی را ایجاد می‌کند. برای قدرت‌های بزرگ کشورگشایی کامل شیوه‌ای مستقیم برای دستیابی به پایگاه‌های نظامی است، اگرچه هدف کشورگشایی فراتر از ایجاد پایگاه است. کشور میزبان

1. outright conquest

به دلیل مزیت استراتژیک یا ضعیف بودن، هدف قدرت‌های بزرگ است. نکته مهم این است که کشورهای مغلوب ضرورتاً علیه آمریکا اعلان جنگ نمی‌کنند یا اینکه تهدیدی علیه آمریکا نیستند. به عبارت دیگر، حضور نظامی آمریکا در نتیجه گسترش طلبی امپریالیستی آمریکا بوده است و الزاماً تهدیدی علیه آمریکا نبودند. مثلاً آمریکا در جنگ با اسپانیا در سال ۱۸۹۸ در مستعمرات این کشور مثل کوبا، فیلیپین، گوام، و پورتوریکو پایگاه نظامی ایجاد کرد (Grossman, 2002:15).

۶. شکست دادن و اشغال کردن^۱

این حالت زمانی است که جنگ بین قدرت بزرگ و دشمن او رخ دهد و قدرت بزرگ دشمن را شکست دهد و سرزمینش را تصرف و در آنجا پایگاه نظامی ایجاد کند. تفاوت شکست دادن و اشغال کردن با کشورگشایی در ویژگی‌های دشمن است. آلمان و ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم مثال خوبی‌اند. نیروهای آمریکا پس از شکست دادن آلمان و ژاپن برای بازدارندگی در این کشورها حضور پیدا کردند (Tsukuba, 2012:22).

۷. تعطیل شدن پایگاه‌ها

عوامل بسته شدن پایگاه‌های آمریکا در خارج از کشور عبارت‌اند از: ۱. تغییر در منافع استراتژیک^۲؛ ۲. کاهش قدرت کشورهای فرستنده^۳؛ ۳. کم‌رنگ شدن منافع مشترک استراتژیک^۴؛ ۴. سیاست انزواطلبی ایالات متحده^۵؛ ۵. انقلاب/تغییر رژیم ضد آمریکا^۶؛ ۶. ناسیونالیسم^۷؛ و ۷. پیشرفت فناوری^۸.

۸. تغییر در منفعت استراتژیک

از بین رفتن اهمیت استراتژیک پایگاه‌های نظامی ممکن است موجب تعطیل شدن آنها شود. یکی از دلایل کاهش اهمیت استراتژیک، تغییر ساختار نظام بین‌الملل است. ایسلند در این مورد شایان ذکر است. در ابتدا آلمان نازی در طول جنگ جهانی دوم آن را اشغال کرد. سپس در اثر فشار انگلستان از آنجا بیرون رفتند و نیروهای آمریکا تا سال ۲۰۰۶ در آنجا مستقر

-
1. defeat and occupy
 2. changes in the strategic interest
 3. declining power of the sending nations
 4. disappearance of common strategic interest
 5. isolationist policy of the United States
 6. anti-U.S. regime shift/revolution
 7. nationalism
 8. Technological advancement

شدند. در طول جنگ سرد ایسلند پایگاه دریایی مهمی برای زیردریایی‌های آمریکا برای مقابله با زیردریایی‌های شوروی بود. در محیط امنیتی کنونی پایگاه ایسلند اهمیت خود را از دست داده است. مطابق گفته دریادار نوئل پرستون^۱، فرمانده منطقه‌ای نیروی دریایی: "جهان فعلی تغییر پیدا کرده و ما با تروریسم مواجهیم. ما با توجه به این تغییر درصدد برنامه‌ریزی برای آماده شدن برای این جنگ هستیم." همچنین مؤسسه استراتفور اعلام کرد که براساس گزارش سازمان اطلاعاتی آمریکا تهدید به‌طور کامل از بین رفته است. بنابراین در مارس ۲۰۰۶ آمریکا اعلام کرد تصمیم به بسته شدن این پایگاه دارد (Tsukuba, 2012:23).

۹. کاهش قدرت کشورهای فرستنده

کشورهای فرستنده نیرو ممکن است بسیار ثروتمند و قدرتمند باشند، اما به مرور زمان قدرت ملی آنها تضعیف شده و حفظ پایگاه در خارج از کشور برای آنها مقدور نباشد. انگلستان مثال خوبی در این زمینه است. ناتوانی انگلستان در حفظ پایگاه موجب شد که آمریکا مدیریت پایگاه‌های جهانی را برعهده گیرد. به‌عبارتی پایان امپراتوری بریتانیا آغاز کنترل پایگاه‌های نظامی به‌وسیله آمریکا بود (Tsukuba, 2012:23).

۱۰. سیاست انزوای ایالات متحده آمریکا

سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در ایجاد، تداوم یا تعطیل شدن پایگاه‌های خارجی تأثیرگذار است. وجود طیف‌های فکری استراتژیک در ایالات متحده آمریکا بر حضور نظامی آمریکا در جهان تأثیر دارد. بعضی‌ها طرفدار حضور گسترده در خارج «بین الملل گرایان»^۲ و برخی از تعامل حداقل «انزوایان»^۳ حمایت می‌کنند. لیبرال‌ها بر گسترش دموکراسی و حاکمیت قانون و رئالیست‌ها بر دستیابی به هژمونی منطقه‌ای تأکید دارند. به‌علت هزینه‌های سنگین پایگاه‌های نظامی، ممکن است آمریکا با مشکلات مالی متعدد مواجه شود و به سیاست انزوای روی آورد (Tsukuba, 2012:23).

۱۱. انقلاب/تغییر رژیم ضد آمریکا

هنگامی که دولت متکی آمریکا جای خود را به نظام سیاسی ضدآمریکایی بدهد، حضور نظامی آمریکا با مشکل مواجه می‌شود. معمولاً این نوع تغییر رژیم به پایان یافتن حضور نظامی آمریکا منجر می‌شود. انقلاب موجب تغییر شگرف محیط امنیتی می‌شود. در اثر انقلاب در ایران رژیم

1. Rear Admiral Noel Preston
2. Internationalists
3. Isolationists

ضدآمریکایی جایگزین رژیم طرفدار آمریکا شد؛ روابط دوستانه به شدت تغییر یافت و حضور نظامی آمریکا در ایران به پایان رسید (Tsukuba, 2012:23).

۱۲. ناسیونالیسم

داشتن پایگاه نظامی در خاک کشورهای دیگر وضعیت نامطلوبی است، به همین دلیل به‌طور بالقوه امکان شعله‌ور شدن حس ناسیونالیستی در کشور میزبان وجود دارد. تصادف دختران دبیرستانی کره‌ای در سال ۲۰۰۲ به تظاهرات عظیم مردم برای خروج نیروهای آمریکایی منجر شد. همچنین تجاوز به دختران دبیرستانی اوکیناوا موجب تظاهرات عظیم شد. نتیجه انعقاد توافقنامه ۱۹۹۶ بین دو دولت به بستن پایگاه هوایی فتونومو^۱ منجر شد، هرچند هنوز این اتفاق رخ نداده است (Tsukuba, 2012:23).

تأثیرات پایگاه‌های نظامی در کشورهای میزبان

به‌طور معمول یک کشور به حضور خارجی دولت‌هایی که تصوراتی مشابه درباره تهدید مشترک یا منفعت مشترک‌اند، اجازه حضور نظامی می‌دهد. با این حال، حضور طولانی‌مدت در کشور میزبان ممکن است به مشکلات سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی منجر شود که در ذیل به مواردی اشاره می‌شود:

۱. حاکمیت

پایگاه نظامی ایستگاهی برای حمایت از عملیات نظامی و لجستیک تعریف می‌شود. این پایگاه‌ها با ایفای نقش‌های متفاوت هوایی، دریایی و زمینی، دارای کارکردهای متعددی مثل آزمایش سلاح‌های جدید، انجام عملیات اطلاعاتی، سیستم عامل برای انجام عملیات نظامی، انبار سلاح‌های نظامی و میزبان پرسنل نظامی‌اند. مسئله بحث‌برانگیز در مورد پایگاه‌های نظامی این است که استقرار پایگاه‌های نظامی در سرزمین دول خارجی مرتبط به ایجاد حوزه نفوذ و موازنه قدرت است. به‌طور معمول ارتباط بین سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و پایگاه‌های نظامی در خارج کشور از دیدگاه جامعه بین‌الملل مرتبط با اصل حاکمیت است (Sarti, 2014: 88) (Lersch and 88).

ایجاد پایگاه‌های نظامی موجب ایجاد حوزه نفوذ دولت‌های فرستنده نیرو و مخدوش شدن حاکمیت کشور میزبان می‌شود. آمریکا در ازای حمایت سیاسی و اقتصادی از رژیم‌های استبدادی پایگاه‌هایی را در این کشورها ایجاد می‌کند. چنین عملی به‌مثابه نقض حاکمیت ملی کشور و مداخله در امور داخلی کشور میزبان است. مثال بارز تخطی اصل حاکمیت در پایگاه

دیاگوگاریا در سال ۱۹۶۰ است؛ زمانی که نیروهای آمریکایی آنجا را اشغال کردند؛ زمانی که ساکنان از آنجا بیرون رانده شدند و خسارت وارده به آنها جبران نشد و این نقض آشکار حاکمیت است (Grammun Study Guide Disec: 2012: 4). به عبارتی کشور میزبان حاکمیت مؤثر خود را در قسمتی از خاکش از دست خواهد داد.

با افزایش پایگاه‌های نظامی خارجی در اواخر قرن بیستم نیاز به حل این تناقض براساس حقوق بین‌الملل به ضرورتی آشکار تبدیل شده است. موافقت‌نامه بازدید نیروها^۱ و موافقت‌نامه استقرار نیروها^۲ در این چارچوب قابل بحث است. این قراردادها که در ادبیات آمریکا "موافقت‌نامه استقرار نیروها" نامیده می‌شود، در دوران جنگ سرد با ۴۰ کشور و پس از پایان آن تاکنون با ۹۰ کشور منعقد شده است. نمونه کامل این موافقت‌نامه‌ها بیشتر با کشورهای عضو پیمان ناتو و همچنین ژاپن و کره جنوبی به امضا رسیده بودند. مطالعه این‌گونه قراردادها نشان داده است که شکل و معیاری یکسان ندارند و بسته به نظر طرفین هم در شرایط و هم در زمان ممکن است با هم متفاوت باشند و همه آنها متأثر از نگرانی در مورد موقعیت حقوقی نیروهای مستقر در سرزمین خارجی، به توصیف موقعیت کارمندان فنی و اداری براساس امتیازهای کنوانسیون روابط دیپلماتیک می‌پردازند. اگرچه SOFA معمولاً بخش مکملی برای توافق‌نامه‌های مربوط به واگذاری پایگاه‌های نظامی است و اغلب بخشی از یک توافق‌نامه جامع امنیتی به‌شمار می‌رود، به‌طور جداگانه با کشور میزبان مورد مذاکره قرار می‌گیرد و به آمریکا اجازه می‌دهد به عملیاتی در داخل کشور پذیرنده دست بزند (اردلان، ۱۳۹۳: ۲).

موافقت‌نامه «بازدید نیروها به‌طور موقت» حضور نیروها را در سرزمین خارجی پوشش می‌دهد، درحالی‌که «موافقت‌نامه استقرار نیروها» موقعیت ایستگاه‌های نظامی و استقرار آنها را به‌طور مؤثر در دولت میزبان تنظیم می‌کند. هر دو موافقت‌نامه قانون برون‌مرزی را بر قانون داخلی برتری می‌دهد. اصل فراسرزمینی بودن اعمال قدرت حقوقی را فراتر از مرزهای سرزمینی دولت ارجاع می‌دهد. بدان معنا که کشورهایی که نیروهای نظامی در خارج از مرزها دارند، دارای حق اعمال صلاحیت انحصاری بر میزبانی ایستگاهشان در دولت‌های خارجی‌اند (Pettyjohn, 2011:126).

چنین توافق‌نامه‌هایی استقرار پایگاه‌های خارجی را براساس حقوق بین‌الملل تنظیم می‌کند. قدرت‌های بزرگ با اصل فراسرزمینی که بنیان اصلی موافقت‌نامه استقرار نیروها و موافقت‌نامه بازدید نیروهاست، از نیروهایشان در خارج کشور حفاظت حقوقی می‌کنند.

-
1. Visiting Force Agreement
 2. Status of Force Agreement

۲. محیط زیست

از نظر زیست‌محیطی، پایگاه‌های نظامی می‌توانند آسیب‌هایی در سطح منطقه‌ای و جهانی به محیط زیست وارد کنند. آزمایش سلاح‌های جدید، از جمله سلاح‌های شیمیایی و سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند بیانگر ریسک آلودگی محیط زیست باشد. مواد بنیانی اورانیوم می‌تواند موجب آلودگی آب، خاک و در نهایت کل اکوسیستم شود.

ارتش آمریکا در سایه استفاده از انواع مواد شیمیایی و رادیواکتیو، آزمایش‌های هسته‌ای، تولید پسماندهای سمی و خطرناک، آلوده کردن آب‌های مناطق اطراف کارخانه‌ها و از همه خطرناک‌تر، استفاده از سلاح‌های حاوی اورانیوم ضعیف‌شده در عراق، افغانستان و بالکان، آسیب‌های زیست‌محیطی و انسانی فراوانی را به‌وجود آورده است که علاوه بر سربازان آمریکایی، شهروندان این کشور و همچنین ساکنان مناطق دارای پایگاه‌های نظامی ارتش ایالات متحده مانند کره جنوبی، فیلیپین و پاناما را در معرض آسیب قرار داده است (مارشال، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

در مکان‌هایی که پایگاه‌های نظامی ایجاد می‌شوند، مسائل زیست‌محیطی پیچیده‌ای به‌وجود می‌آید. انواع آلاینده‌ها در تأسیسات نظامی مواد شیمیایی مثل حلال‌ها، رقیق‌کننده‌ها و فلزاتی مثل سرب، کادمیوم و ... ایجاد می‌کنند. مثال دیگر از ایجاد آلودگی کاربرد پرکلرات در تأسیسات نظامی است. پرکلرات یکی از آلاینده‌های مهمی است که در تولید سوخت‌های راکت و مهمات کاربرد دارد. نفوذ این ماده در سیستم‌های آبی سطحی و زیرسطحی نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است، آلودگی پرکلرات ممکن است مدت‌های طولانی باقی بماند.

ایجاد پایگاه‌های نظامی در مناطقی که از نظر محیط زیست حساسیت ویژه‌ای دارند، مثل تالاب‌ها یا مناطقی که به‌عنوان یک زیستگاه حفاظت می‌شود، در معرض خطر قرار دارند (Kazmarek, 2005).

تخریب پوشش‌های گیاهی، افزایش گازهای کربنی، آلودگی آب‌ها به‌وسیله ادوات جنگی و خودروهای نظامی، از بین رفتن حیوانات، آلودگی‌های خاک به‌ویژه با اورانیوم ضعیف‌شده موجود در مهمات جنگی از جمله این موارد است. خاکسترهای سمی ناشی از خودروهای سنگین نظامی نیز بخش دیگر تخریب محیط زیست و به خطر انداختن سلامت انسان‌هاست.

پایگاه‌های ایالات متحده آمریکا در خارج کشور مشکلات زیست‌محیطی مثل مواد سمی در آب آشامیدنی، مواد منفجره و آلودگی صوتی برای کشور میزبان ایجاد کرده است (Morgan and Lindsay, 1998).

آلاینده‌های خطرناک مثل گازهای عصبی، اورانیوم رقیق‌شده و فلزات خطرناک در پایگاه‌های نظامی ایجاد می‌شوند. همچنین مواد شیمیایی خطرناک که روی زمین و در آب نشسته می‌کنند، موجب بیماری در جوامع محلی می‌شود. گاز خردل یافت‌شده در جنگل‌های گوام و مواد شیمیایی سنگین آلوده در اوکیناوا یافت شده است. مواد شیمیایی سمی و سرب،

موجب اختلال در چرخه اکوسیستم، تنوع زیستی و به خطر افتادن زیست جانوران دریایی می‌شود.

در سال ۲۰۰۰ مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه سابق آمریکا ضمن اذعان به ایجاد مشکلات زیست‌محیطی جدی در فیلیپین تصریح کرد که ایالات متحده آمریکا اجباری قانونی برای تمیز کردن پسماندهای مرگبار ندارد. هر چند «حقوق داخلی و بین‌الملل درباره دفع زباله‌های نظامی برای حفاظت از محیط زیست قواعد و مقرراتی را مشخص کرده و مورد تأکید قرار داده است» (Brady, 1992: 80).

لوسیندا مارشال از نویسندگان مطرح آمریکایی تحقیقاتی را درباره تأثیر پایگاه‌های نظامی بر محیط زیست انجام داده است. به نظر او تعداد مشکلات مربوط به سلامتی و معضلات زیست‌محیطی گزارش شده در مناطق نزدیک مراکز و پایگاه‌های نظامی در سراسر دنیا، روندی مبهوت‌کننده را نشان می‌دهد (مارشال، ۱۳۸۶: ۹۹).

۳. اقتصاد

ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در راستای اهداف محض نظامی نیست؛ بلکه در چارچوب ترویج اهداف اقتصادی و سیاسی نظام سرمایه‌داری آمریکا قابل بررسی است. برای مثال شرکت‌های ایالات متحده در صدد ساخت و کنترل خط لوله نفت و گاز طبیعی از دریای خزر در آسیای مرکزی از طریق افغانستان و پاکستان است. این منطقه حدود ۶ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت و تقریباً حدود ۴۰ درصد ذخایر گاز دارد. جنگ علیه افغانستان و ایجاد پایگاه‌های نظامی در آسیای مرکزی به‌عنوان فرصتی کلیدی برای ایجاد چنین خط لوله‌ای قابل تفسیر است (DuFour, 2014). روند توسعه اقتصادی و عطش کنترل بر منابع و ذخایر زیرزمینی، آمریکا را به این منطقه کشانده است. کنترل منابع زیرزمینی، نظامی، سیاسی و اقتصادی اوراسیا از اهداف مهم آمریکا در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی است. هدف جنگ و ایجاد پایگاه‌ها برای کنترل آمریکا بر خاورمیانه و منابع عظیم نفتی خاورمیانه است.

ایالات متحده آمریکا ۱۹۱ کشور عضو سازمان ملل متحد را به صورت‌های مختلف تحت کنترل دارد. آمریکا به غیر فتح و اشغال تعدادی از کشورها، از طریق شبکه یکپارچه از پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی توانایی پوشش کل سیاره (قاره‌ها، اقیانوس و فضا) را دارد. همه اینها مربوط به یک امپراتوری عظیم است که ابعاد آن به‌آسانی معلوم نمی‌شود. پایگاه‌های نظامی تأثیرات بنیادی بر میزان رشد اقتصادی منطقه‌ای و داخلی دارد. تعدادی از شهرها نزدیک پایگاه‌های نظامی قرار دارند. سیستم حمل‌ونقل شهری نقش مهمی در پایگاه نظامی ایفا می‌کند. سیستم بزرگراه برای پایگاه نظامی نقش حیاتی دارد (E Hawkins, 2005: 23).

حضور نظامی مزیت‌های اقتصادی برای جامعه میزبان دارد. پایگاه به ایجاد سطوح بالای حرفه و شغل و استخدام کارگران شهری اقدام کرده و دلارهایشان را در اقتصاد محلی هزینه می‌کند (Sega, 2006: 29).

حفظ و نگهداری پایگاه‌های نظامی با تقاضا برای تولیدات محلی در ارتباط است. حضور پایگاه نظامی موجب ایجاد اشتغال افراد غیرنظامی و نظامی در منطقه می‌شود. از طرف دیگر، لزوم بهبود زیرساخت‌های اطراف پایگاه‌ها با هدف بهبود وصول و دسترسی صورت می‌گیرد. بسته شدن پایگاه‌ها بر زیرساخت‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای و محلی تأثیرگذار است. در عمل پایگاه‌ها شکلی از یارانه برای حکومت فدرال و جامعه محلی است (Paloyo, 2010: 5).

پس از جنگ سرد ایالات متحده آمریکا درصدد دسترسی به بازارهای آسیا بود. حضور نظامی برای ایجاد ثبات پیش‌شرط رشد اقتصادی منطقه‌ای برای کالاهای آمریکایی بود. درحالی‌که حفظ پایگاه‌هایش در فیلیپین قبل از تقاضا برای ترک در ۱۹۹۲-۱۹۹۱ از موضوعات امنیتی به موضوعات اقتصادی به‌خصوص موضوع تجارت آزاد انتقال یافت. در استراتژی آمریکا در منطقه آسیای شرقی دسترسی به بازارها، جلوگیری از رشد رقیب‌های منطقه‌ای، حفظ پایگاه‌های نظامی و تأسیسات برای تضمین آزادی و انجام مانور ارتقای دموکراسی در منطقه مدنظر است (Mauzy and Brian, 2007: 629).

حفظ پایگاه‌های نظامی هزینه‌های زیادی را به قدرتهای بزرگ تحمیل می‌کند. سرمایه‌گذاری عظیم در زیرساخت‌ها همراه هزینه‌هایی برای دفاع علاوه بر تحمیل بار سنگینی به بودجه عمومی کشورها، هزینه‌های زیادی را در عرصه بین‌المللی برای قدرت بزرگ ایجاد می‌کند. کاهش بودجه دفاعی، مخالفت کشور میزبان با حضور نظامی دولت‌های خارجی و آسیب‌پذیری پایگاه‌ها، بسیاری از پایگاه‌های خارج کشور را به خطر انداخته است. برای رفع این مشکلات حضور موقت نیروهای خارجی موجب کاهش هزینه‌ها و کاهش مقاومت جمعیت محلی می‌شود. این چارچوب ممکن است تغییراتی را در سیاست خارجی آمریکا ایجاد کند. در سال‌های آینده ممکن است پنتاگون با برچیدن بعضی از پایگاه‌ها با تصمیمات دشوار مواجه شود.

۴. امنیت

پایگاه‌های نظامی ستون فقرات ساختار نظامی آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. این پایگاه‌ها به‌طور مستقیم در خدمت قدرتهای بزرگ برای عملیات مختلف اعم از سرنگونی دولت‌ها یا اعمال فشار در مذاکرات و ... دیپلماتیک‌اند. این پایگاه‌ها وظیفه دارند تا کشورهایی را که خطر بالقوه‌ای برای آمریکا به‌شمار می‌روند، کنترل کنند (Van der , 2009). (Zeijden).

حضور نظامی ایالات متحده آمریکا به متحدان اطمینان خاطر می‌دهد. این نماد مادی تعهد ایالات متحده آمریکا به امنیت منطقه‌ای و عاملی مهم در محاسبات استراتژیک متحدان است. حضور نظامی آمریکا در نزدیک یا درون قلمرو متحد عاملی مهم در ایجاد و حفظ روابط اتحاد است (Lostumbo, 2013: 4).

حضور نظامی قدرت‌های بزرگ در مناطق مختلف بخشی از سیاست خارجی آنها و براساس تصورشان از تهدیدهای امنیتی در حوزه نفوذشان یا درکشان از درجه تهدیدات یا احتمال وقوع آنهاست (Peterson, 2012: 186).

آمریکا در طول جنگ سرد تصور می‌کرد که ایجاد پایگاه نظامی در فیلیپین عنصر مهمی در برابر قدرت نظامی شوروی خواهد بود (Carpenter, 1991:2). پایگاه‌های نظامی ارتباط بین دولت و منطقه‌ای است که پایگاه در آنجا ایجاد می‌شود. به لحاظ تاریخی محل استقرار پایگاه نظامی براساس انگیزه‌های استراتژیک است (Anderson, 2005:6). متخصصان دلایل استراتژیک برای ایجاد پایگاه‌ها مطرح می‌کنند. از دیدگاه زلاتان گروسمن، جغرافیدان دانشگاه المپا، با سقوط دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ ایالات متحده آمریکا ۳۵ پایگاه جدید بین لهستان و پاکستان ایجاد کرد تا حوزه نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد (Francis, 2006: 12).

جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی طبق ضرورت جنگ در افغانستان با ایجاد پایگاه نظامی در منطقه و تسهیلات تدارکات نظامی برای ارتش آمریکا و متحدان مشخص شد. جنگ در افغانستان دستور کار واقعی برای ایجاد همکاری با دولت‌های آسیای مرکزی و ارتقای همکاری منطقه‌ای ایجاد کرد (Mankoff, 2013:2). اهمیت آسیای مرکزی در جنگ با افغانستان به سبب ایجاد پایگاه‌های نظامی و مشارکت در تلاش‌های تدارکات و لجستیک است.

اهمیت سیاسی پایگاه‌های آمریکا در فیلیپین به عنوان نماد حضور آمریکا در کشورهای آسیای جنوب شرقی، موجب بازدارندگی قدرت‌های برون منطقه‌ای از مداخله می‌شود. در مجموع حضور نظامی ایالات متحده در منطقه آسیا- پاسیفیک درصدد دستیابی به اهداف سیاست خارجی مثل بازدارندگی از منازعه، اطمینان دادن به متحدان و حفظ نفوذ است (Chiu & Dworken, 2003: 19).

به عبارتی استراتژی مبارزه ایالات متحده آمریکا با تروریسم در افغانستان فقط در راستای مبارزه با تروریسم نبود، بلکه برای ایجاد پایگاه‌های دائمی به منظور مهار چین، کنترل روسیه و جلوگیری از ظهور ایران است.

در آسیا کره شمالی تهدیدی برای پایگاه‌های آمریکا در کره جنوبی، ژاپن و گوام و همچنین موقعیت آمریکا در آسیا پاسیفیک است. نیروهای سه‌گانه آمریکا در این منطقه وجود

دارد؛ نیروی پیاده‌نظام ارتش در کره جنوبی، نیروی دریایی در ژاپن و نیروی هوایی در جزیره گوام قرار دارد. از این پایگاه ایالات متحده به سرعت می‌تواند به تهدیدات پاسخ دهد. در طول جنگ سرد آمریکا شبکه‌ای از پایگاه‌های نظامی در منطقه آسیا - پاسیفیک را برای حمایت از منافع آمریکا و دفاع از متحدانش حفظ کرد. بعضی سیاستگذاران استدلال می‌کردند که بسته شدن پایگاه آمریکا در منطقه با کسب مزایایی در بودجه موجب سرمایه‌گذاری در داخل کشور و ایجاد صلح می‌شود. اما دیدگاه مخالف این است که حضور نظامی آمریکا در منطقه همراه با تعامل با چین در ثبات و کاهش تنش در ارتباط با ظهور چین و کاهش احتمال مسابقه تسلیحاتی مؤثر است (Felix, 2013: 3).

در استراتژی امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ پایگاه‌ها برای مقابله با تهدیدات امنیتی مورد استفاده قرار گرفتند (Cooley, 2008:6) به‌طور مثال پایگاه هوایی مناس پس از تعطیلی پایگاه هوایی کارشی_خان‌آباد، تنها پایگاه هوایی ایالات متحده آمریکا در آسیای مرکزی بود. مناس در ۴ دسامبر ۲۰۰۱، تحت توافق مشارکتی سوفا بین آمریکا و قرقیزستان تأسیس شده بود. براساس این توافق پنتاگون در ازای سالانه ۲ میلیون دلار اجاره، حق استفاده از این پایگاه را داشت. مناس نه تنها از لحاظ پشتیبانی لجستیکی از نیروهای آمریکایی در افغانستان و ناتو در این کشور اهمیت داشت، بلکه این پایگاه تنها ۳۲۰ کیلومتر از سین‌کیانگ، غربی‌ترین استان چین فاصله داشت و بدین ترتیب، سایت هسته‌ای لوپ نور چین در این استان، در تیرس هواپیماهای آمریکایی قرار می‌گرفت (عابدی، ۱۳۸۸: ۲).

۵. تشدید تنش و بی‌اعتمادی

استقرار پایگاه در خارج از کشور می‌تواند موجب امنیتی کردن محیط، بی‌اعتمادی میان بازیگران سیاسی و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی در منطقه و جهان شود. موافقت‌نامه‌هایی مثل وضعیت استقرار نیروها که با حکومت محلی غیرمردمی (حکومت دیکتاتوری) منعقد می‌شود، به‌عنوان سیاست اقتدارگرایانه و نامشروع دیده می‌شود. علاوه بر این با تضعیف امنیت منطقه‌ای و آسیب‌پذیری نسبت به حملات خارجی تهدیدی علیه زیرساخت‌های کشور میزبان محسوب می‌شود.

در کشورهای میزبان معمولاً مقاومت محلی و اعتراضات عمومی، جنبش‌های اجتماعی و اپوزیسیون سیاسی علیه حضور نظامی قدرت‌های بزرگ صورت می‌گیرد. از دیدگاه مخالفان، این پایگاه‌ها هرچند برای امنیت ایجاد شده‌اند. جنبش‌ها و گروه‌های متنوع در اطراف پایگاه‌های آمریکا با اهداف حفظ محیط زیست، خشونت جنسی، دستیابی به منابع و سرزمین در راستای نگرانی مشترک جوامع اطراف پایگاه‌هاست.

با تأسیس پایگاه‌های نظامی آمریکا در افغانستان، مجموع کشورهای همسایه و حتی منطقه احساس نگرانی می‌کنند. به‌ویژه، ناراحتی چینی‌ها محسوس است و روس‌ها نیز ناراضی‌تری خود را از این اقدام آمریکایی‌ها پنهان نمی‌کنند؛ هندی‌ها اگرچه تاکنون در ظاهر چیزی بروز نداده‌اند، بی‌شک نگران‌اند و در فرصت‌های آینده امکان اظهار ناراحتی آنها وجود دارد؛ حتی کشور پاکستان که در ظاهر هم‌پیمان آمریکایی‌هاست، به‌هیچ‌وجه دید مثبتی نسبت به این تأسیس ندارد و جمهوری اسلامی ایران هم که از گذشته معلوم و هویدا بود، نه‌تنها به این قضیه نگاه مثبت ندارد، با دیده شک و تردید به آن می‌نگرد و هرگز آمادگی ندارد که شاهد و ناظر حضور رقیب قدرتمند و در عین حال ضرررسان در کنار مرزهای جغرافیایی خود باشد؛ همین دید و مواضع مشترک میان این کشورها نسبت به شایعه تأسیس پایگاه‌های نظامی، موجب خواهد شد که زمینه‌های سرگردانی آمریکایی‌ها در افغانستان فراهم شود و علاوه بر آن هر کدام خود به‌تنهایی یا مشترک اقدامات مبارزه‌جویانه را علیه موجودیت آمریکایی‌ها در دستور کار خویش قرار خواهند داد. بی‌شک وجود چنین شرایطی سبب خواهد شد که افغانستان بار دیگر عرصه جنگ قدرت‌های منطقه‌ای و حتی جهانی شود.

به‌عبارتی «مقاومت نه‌تنها از جانب گروه‌های داخلی و جنبش‌های کشور میزبان است، بلکه کشورهای همسایه نیز در جرگه مخالفان این پایگاه‌ها هستند. برای مثال درباره پایگاه‌های آمریکا در آسیای مرکزی، کشورهای روسیه، ایران، چین و سایر قدرت‌های منطقه‌ای به کشورهای میزبان برای رد کردن دسترسی آمریکا برای ایجاد پایگاه به دولت افغانستان فشار وارد می‌کردند» (Davis, 2011: 4).

رابرت گیتس وزیر دفاع سابق آمریکا، درصدد ایجاد پایگاه نظامی داخلی در افغانستان بود. به نظر او ایالات متحده آمریکا به حضور نظامی در این کشور استراتژیک علاقه‌مند است. بدیهی است که ایجاد پایگاه‌های نظامی آمریکا در این منطقه استراتژیک موجب افزایش نگرانی در کشورهای چین، ایران، روسیه و دیگر کشورهای همسایه می‌شود (Saghafi, 2011: 9).

یکی از مواردی که موجب ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی می‌شود، اعطای حق کاپیتولاسیون به پرسنل نظامی مستقر در کشور میزبان است. در صورت وقوع جرم، دادگاه‌های کشور میزبان صلاحیت رسیدگی به جرایم را ندارند و این یکی از موارد نقش حقوق بشر قلمداد می‌شود. اعطای حق کاپیتولاسیون موجب اعتراض نهادها و گروه‌های مختلف کشور میزبان می‌شود. در ایران عصر پهلوی اعطای حق کاپیتولاسیون به نظامیان آمریکا موجب اعتراض اشخاص حقیقی، نهادها و گروه‌های مختلف انقلابی شد و به یکی از عوامل شروع انقلاب در ایران تبدیل شد (Koechler, 2002:9). در کشورهایی که پایگاه‌های نظامی وجود دارد، حقوق، آزادی

و دموکراسی خدشه‌دار می‌شود؛ شکاف مردم و نظام سیاسی افزایش می‌یابد و اعتماد مردم به دولت روند نزولی می‌گیرد و استقلال کشور در ابعاد مختلف با مشکل مواجه است.

کمک‌های نظامی و ایجاد پایگاه‌های نظامی بر مشارکت انتخاباتی و خشونت‌های داخلی تأثیرگذار است. حملات شبه‌نظامیان در کشورهایی که کمک نظامی دریافت می‌کنند، بیشتر از کشورهایی است که کمکی نظامی از آمریکا دریافت نمی‌کنند. همچنین در شهرهایی که پایگاه نظامی وجود دارد، مشارکت سیاسی به‌ویژه هنگامی که انتخابات ماهیتی سیاسی پیدا می‌کند، کاهش می‌یابد. همچنین ممکن است آمریکا با افزایش کمک نظامی و تقویت بازیگران غیردولتی، نهادهای سیاسی داخلی را تضعیف کند (Debe & Suresh, 2012:1).

ایالات متحده آمریکا با چالش‌های سیاسی، نظامی و بودجه‌ای برای حضور در غرب اقیانوس آرام مواجه است، اما یک استراتژی برای پایگاه‌ها و تأسیسات نظامی با ایجاد قابلیت مشارکتی با متحدان دارد (Green, 2012: 4).

۶. جنسیت

یکی دیگر از تأثیرات پایگاه‌های نظامی بر کشور میزبان و منطقه این است که پرسنل خارجی در محیط‌های اطراف پایگاه‌های اجتماعی دچار بزه‌های اجتماعی و جرایم اخلاقی و عمومی می‌شوند و به دلیل صیانت حقوقی و سیاسی، کشور میزبان قادر به برخورد قانونی با آنها نیست و عملاً هنجارهای اجتماعی و ارزشی کشور میزبان را دچار اختلال و خدشه می‌کند. حضور پرسنل نظامی با آداب، فرهنگ و رسوم متفاوت یا متضاد در کشور میزبان نگرانی‌ها و مشکلات عدیده‌ای را برای ملت میزبان ایجاد می‌کند. این مشکلات و معضلات با وجود اعطای حق کاپیتولاسیون بیشتر می‌شود.

ناپایداری‌های اجتماعی منتج از مشکلات سیاسی و زیست‌محیطی با جنایاتی که پرسنل نظامی خارجی در کشور میزبان انجام می‌دهند، در ارتباط است. برای مثال جرایم پرسنل خارجی در جوامع اطراف پایگاه‌ها اغلب سطوح بالایی از تجاوز، جرایم خشونت‌آمیز توسط سربازان را تجربه کرده‌اند. همه این عوامل موجب تشکیل جنبش‌های مقاومت مردمی در برابر حضور نظامیان خارجی شده است (Lersch & Sarti, 2014: 96).

در سال ۱۹۹۵ تجاوز به دختر دوازده ساله توسط سه تفنگدار آمریکایی توجه گسترده خشونت علیه زنان در این جوامع را در پی داشت. براساس گزارش‌های پلیس اوکیناوا ۲۷۸ مورد تجاوز جنسی توسط سربازان آمریکایی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ اتفاق افتاده است. گروه‌های حقوق بشری محلی به استناد سوابق پلیس اوکیناوا گزارش کرده‌اند که ۲۰۰ مورد تجاوز جنسی بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۹۷ در این شهر اتفاق افتاده است. هرچند این نوع

گزارش‌ها به صورت مصنوعی پایین نگه داشته می‌شود یا به علت بی‌اعتمادی به فرایندهای عدالت کیفری یا به دلایل تاریخی به پلیس گزارش نمی‌شود (Ludlam, 2012:23). در اوکیناوا به‌عنوان یکی از جوامع میزبان پایگاه‌های نظامی آمریکا، جرم و جنایت در نزدیکی پایگاه مشاهده می‌شود. از سال ۱۹۷۲ اوکیناوا میزبان ۲۱۰۰۰ پرسنل نظامی آمریکا بوده است. سازمان پیمان زنان اوکیناوا گزارش داده که از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۵ حدود ۴۷۸۴ جرم جدی درباره خشونت نظامیان آمریکایی نسبت زنان در اوکیناوا گزارش شده است. این مشکلات به‌علت وجود موافقت‌نامه بازدید نیروها بدون مجازات مانده است و به همین دلیل تشدید می‌شوند (Davis, 2011: 4).

حذف ساکنان بومی از مظاهر و پیامدهای منفی اجتماعی استقرار پایگاه‌های نظامی است. به‌خصوص زمانی که در یک جزیره کوچک جمعیت بومی زندگی کرده و باید محل زندگی را ترک کند. برای مثال پایگاه دیاگو گارسیا در ۱۰۰۰ مایلی جنوب هند واقع شده است. در سال‌های اخیر به‌علت اینکه عملیات علیه طالبان پس از ۱۱ سپتامبر از این پایگاه انجام گرفت، مورد توجه جهانیان واقع شد. در عصر جنگ سرد مردم بومی این منطقه به جزیره موریس و سیسیل انتقال داده شدند و هنوز اجازه بازگشت به آنها داده نشده است (Tsukuba, 2012: 22).

نتیجه

ایجاد پایگاه‌های نظامی توسط قدرت‌های بزرگ بیانگر گسترش قدرت و نفوذ یک کشور به ماورای مرزهایش به‌منظور دستیابی به اهداف و مقاصد مختلف است. از جمله این اهداف می‌توان به افزایش حوزه نفوذ، تسلط و کنترل مناطق ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، تأمین منافع اقتصادی (به‌خصوص دستیابی به منابع انرژی و کنترل آنها) و مهار قدرت‌های رقیب اشاره کرد. ایجاد پایگاه‌های نظامی در ماورای مرزها در چارچوب توازن قوا و رقابت سیاسی و نظامی منطقه‌ای و جهانی قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شود.

پایگاه‌ها و ایستگاه‌های نظامی امکانات لازم را برای جنگ مهیا می‌سازند. ایالات متحده آمریکا بدون داشتن پایگاه در ترکیه، آلمان، دیگوگارسیا، عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس در حمله و اشغال عراق دچار مشکل می‌شد. استقرار پایگاه موجب ایجاد مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی در سطح محلی می‌شود. جوامع اطراف پایگاه‌ها اغلب سطوح بالایی از تجاوز سربازان خارجی، جرایم خشونت‌آمیز، از دست دادن زمین یا امرار معاش، آلودگی و سلامت، خطرهای ناشی از آزمایش سلاح‌های متعارف یا غیرمتعارف را تجربه می‌کنند. از پیامدهای منفی دیگر حضور نظامی آمریکا، تضعیف نظام سیاسی کشور میزبان به‌منظور وابستگی بیشتر به آمریکا، اعمال نفوذ بر دولتمردان، قدرت گرفتن نیروهای محلی همدست با

آمریکا، بی‌توجهی به قوانین کشور میزبان، ایجاد یک دولت دست‌نشانده، غارت منابع طبیعی کشور و دادن انگیزه جنگ به مخالفان دولت برای مدتی نامعلومی است. خشونت علیه زنان، نقض استقلال محلی و آلودگی محیط زیست، همه بخشی از ردپای نظامی آمریکا است. همچنین تهاجم به ارزش‌ها، هنجارها و عناصر فرهنگی و اجتماعی یکی دیگر از پیامدهای حضور نظامی در کشورهای مختلف است. پس از استقرار پایگاه‌های نظامی فرهنگ‌سازی غربی ایجاد و گسترش می‌یابد و زمینه ستیز فرهنگی در جامعه مساعد می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اردلان، اسعد (۱۳۹۳)، چرایی گسترش پیمان‌های امنیتی، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، <http://peace-ipsc.org>
۲. عقیقه، عابدی (۱۳۸۸)، تعطیلی پایگاه هوایی مناس و پیامدهای رقابتی آن در منطقه آسیای مرکزی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، ش ۱.
۳. مارشال، لوسیندا (۱۳۸۶)، «آلودگی‌های زیست‌محیطی ارتش آمریکا»، ماهنامه سیاحت غرب، سال چهارم، ش ۴۸، تیرماه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۴. مورگنتا، هانس جی (۱۳۸۴)، سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

ب) خارجی

5. Tsukuba Takafumi (2012), Understanding U.S. Overseas Military Presence after World War II, Journal of International and Advanced Japanese Studies Vol. 4, March 2012, pp. 17-29.
6. Lersch Bruna dos Santos and Sarti Josiane Simão (2014), THE Establishment of Foreign military base and the international distribution of power. <http://www.ufrgs.br/ufrgsmun/2014/files/DIS1.pdf>
7. Kazmarek Skip (2005), Environmental Issues at Military Installations: What they are and How They're Handled, https://www.mckennalong.com/media/library/225_Environmental%20Advisory1-26-05.pdf
8. Lleras-Muney Adriana (2010), The Needs of the Army: Using Compulsory Relocation in the Military to Estimate the Effect of Air Pollutants on Children's Health, <https://ideas.repec.org/a/uwp/jhriss/v45y2010iii1p549-590.html>
9. Hurrell Andrew (2011), sphere of influence, <http://oxfordindex.oup.com/view/10.1093/oi/authority.20110803100523229>
10. Green Michael J. (2012), Rethinking U.S. Military Presence in Asia and the Pacific, Center for Strategic and International Studies, Global Forecast 2012
11. U.S.-GEORGIA FORUM, Policy Brief Number One, (2012) Georgia's security Challenges and Policy Recommendations, www.csis.org/Europe.
12. Mankoff Jeffrey (2013), The United State and Central Asia after 2014, www.csis.org.
13. Oeindrila Dube and Naidu Suresh (2010), Bases, Bullets, and Ballots: The Effect of U.S. Military Aid on Political Conflict in Colombia, www.cgdev.org
14. Chiu Daniel and Dworken Jonathan (2003), the Political Affects of U.S. Military Presence in the Asian-Pacific Region, Center for Naval Analysis.
15. Saghafi-Ameri Nasser (2011), Prospects for peace and stability in Afghanistan, Afghanistan Regional Dialogue Background Paper No. 1, <http://www.sipri.org/research/security/afghanistan/afghanistan-regional-dialogue-1/publications-1/ARD01.pdf>.
16. Mauzy Diane K and Job Brian L (2007), U.S. Policy in southeast Asia Limited Re-engagement after Years of Benign Neglect, Asian Survey, Vol. 47, Issue 4, pp.

17. Felix K. Chang (2013), Americas pivot and its military base in the Asia- Pacific, Foreign Policy Research Institute.
18. Cooley Alexander(2008), U.S. Bases and Democratization in Central Asia,Orbis, Volume 52, Issue 1, 2008, www.sciencedirect.com/science/.../S0030438707001160
19. Davis Sasha (2011), The US military base network and contemporary colonialism: Power projection, resistance and the quest for operational unilateralism, Political Geography xxx (2011) 1-10, journal homepage: www.elsevier.com/locate/polgeo
20. Grammun Study Guide DISEC (2012) Foreign Military Bases;Impacts and Consequences,www.lgs1a1grammathon.com/Competitions/.../DISEC%20Study%20Guide.pdf
21. BradyMichael (1992), Environmental Review of military base closures: implications for affected governments,http://scholarship.law.duke.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1209&context=delplf.
22. Peterson J.E (2012) Foreign policy Presence and its Role in Reinforcing Regional Security: A Doule – EdgedSword, www.jepeterson.net/.../foreign_military_presence_in_the_gulf.pdf
23. Carpenter Ted Galen (1991), The U.S. Military Presence in the Philippines: Expensive and Unnecessary, Cato Institute Foreign Policy Briefing No. 12.
24. Andersson Linda and ..., (2005), Regional Effects of Military Closures: The Case of Sweden, CERUMWorking Paper, www.umu.se/cerum
25. Koehler Hans (2002), The War on Terror, its impact war on the sovereignty of states,and its implications for human right and civil liberties , Lecture delivered at the International Ecumenical Conference on Terrorism in a Globalized World organized by the National Council of Churches in the Philippines (NCCP), the World Council of Churches and the Christian Conference in Asia.
26. E Hawkins Kenneth (2005), military –base impacton a local economy: a case study of three military base in two metropolitan statistical areas, a thesis presented to the Grandute School of the universal of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science university of Florida.
27. Sega Mady(2006), military base closure effects acomunity :the case fort ritchie army garrison and cascade, Maryland Dissertation submitted to the Faculty of the Graduate School of the University of Maryland, College Park in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy.
28. PaloyoAlfredo and ... (2010), The Regional Economic Effects of Military Base Realignments and Closures in Germany, http://repec.rwi-essen.de/files/REP_10_181.pdf.
29. Lostumbo Michael J. and ... (2013) Overseas Basing of U.S. Military Forces an Assessment of Relative Costs and Strategic Benefits ,www.rand.org.
30. Pettyjohn Stacie L (2011), U.S. Global Defense Posture, 1783–2011,www.rand.org
31. Grossman zoltan (2002), War and New US Military Bases, www.counterpunch.org
32. Francis David R (2006), US bases in Iraq: a costly legacy, The ChristianScience monitor, April 3, 2006
33. Dufour Jules (2014), The Worldwide Network of US Military Bases, Global Research, November 15, 2014
34. van der ZeijdenWilbert(2009), Foreign Military Bases and the Global Campaign to close them,Transnational Institute A worldwide fellowship of scholar activists, http://www.tni.org.
35. Morgan Nick and Lindsay Johan (1998), Overseas Military Bases and Environment, https://disqus.com/home/forums/fpif.
36. LudlamScott (2012), Fact Sheet: The Impact of Military Bases, http://greensmps.org.au/content/news-stories/fact-sheet-impact-military-bases